

نقش جهت‌گیری مذهبی و مناسبات سالم زوجین در پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوجین

سیدمحمدرضا رضازاده*

هادی بهرامی احسان**

عزیزاله محمدیان***



چکیده

کاهش طلاق و افزایش سازگاری زناشویی و یافتن مؤلفه‌های مرتبط با آن از دغدغه‌های امروز روان‌شناسان خانواده است. در این پژوهش رابطه دو عامل جهت‌گیری مذهبی و نوع مناسبات زوجین با سازگاری زناشویی اندازه‌گیری شد. به همین منظور ۳۰۰ نفر زن و مرد متأهل ساکن شهر مشهد در سه گروه طلاب، کارمندان و دانشجویان به شیوه داوطلبانه و در دسترس انتخاب شدند و به ۳ پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی، مناسبات سالم زوجین و سازگاری زناشویی پاسخ دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که به طور کلی جهت‌گیری مذهبی و مناسبات سالم می‌توانند به طور معناداری سازگاری زناشویی را تبیین کنند. از بین مؤلفه‌های جهت‌گیری مذهبی، مؤلفه‌های سازمان‌نیافتگی هم در

* نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران؛ rezazade@ut.ac.ir

** دانشجویار گروه روان‌شناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران؛ HBahrami@ut.ac.ir

*** دانش‌آموخته دوره کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی

زنان و هم در مردان می‌تواند کاهش سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند. نتایج تفصیلی حاکی از آن است که در ارتباط با نقش مؤلفه‌های مناسبات سالم در پیش‌بینی سازگاری زناشویی، مؤلفه ارتباط عاطفی برای هر دو جنس، رابطه معناداری را نشان داد. در حالی که مؤلفه تلاش برای بهبود روابط عاطفی فقط در گروه زنان با سازگاری زناشویی رابطه معناداری داشت. نتایج پژوهش پیشنهاد می‌کند مناسبات سالم زوجین، که برگرفته از دستورات دین مبین اسلام برای تنظیم و تحکیم روابط زوجین است، می‌تواند باعث سازگاری زناشویی همسران شود.

واژگان کلیدی

جهت‌گیری مذهبی؛ مناسبات سالم؛ رضایت زناشویی

مقدمه

درصد بسیار زیادی از مردم در دوره‌ای از زندگی‌شان وارد روابط زناشویی می‌شوند. در کشورهای غربی بیش از ۹۰ درصد مردم تا ۵۰ سالگی ازدواج می‌کنند، حتی در بین آن‌هایی که ازدواج نمی‌کنند، بسیاری درگیر روابط «شبه ازدواج»^۱ می‌شوند (فاین و هاروی، ۲۰۰۶). صرف‌نظر از این که آیا زوجین رسماً ازدواج کرده‌اند یا خیر، انتظارات از روابط زناشویی بالاست. در فرهنگ‌های غربی اکثریت افراد روابط زناشویی خود را منبع اولیه برای حمایت و عشق و محبت می‌دانند (لوینگر و هرستن، ۱۹۹۰). از آنجا که سازگاری بیش‌ترین نقش را در تداوم زندگی زوجین ایفا می‌کند (هاروی، ۱۳۸۸)، زوجین پس از ازدواج باید برای نیل به سازگاری متقابل تلاش کنند. زیرا سازگاری به خودی خود ایجاد نمی‌شود. آن‌ها در آغاز زندگی مشترک با شماری از تکالیف زندگی مواجه هستند، برخی از این تکالیف عبارت‌هستند از: «برون‌سازی متقابل»^۲، کسب استقلال از خانواده اصلی، برقراری الگوهای مراوده‌ای سالم، سازش با جامعه متحول، تغییر نقش از فرزندی به همسری و بالاخره پذیرش نقش والدینی (فتحی‌آشتیانی و احمدی، ۱۳۸۳). با انتظارات غیرواقع‌بینانه‌ای که برخی افراد از همسر و ازدواج خود دارند (ویش‌من و همکاران، ۱۹۹۷). جای تعجب نیست اگر بسیاری از افراد دریابند که

1. Marriage-like

2. Mutual accomodation

روابط آنها این انتظارات را برآورده نمی‌کند. تقریباً همه زوجینی که ازدواج می‌کنند، در آغاز ارتباط خود سطح بالایی از سازگاری زناشویی^۱ را گزارش می‌کنند (مارکمن و هالوگ، ۱۹۹۳). متأسفانه سازگاری از روابط در طی زمان و در میان بسیاری از زوجها کاهش می‌یابد که نتیجه طبیعی آن افزایش آمار طلاق است (برادبری، ۱۹۹۸). امروزه آمار طلاق در بسیاری از کشورهای جهان افزایش یافته است. مثلاً در آمریکا میزان طلاق در ازدواج اول ۵۰ درصد و در ازدواج مجدد حدود ۶۰ درصد است (آماتو و ایروینگ، ۲۰۰۶). در کشور ما ایران نیز در سال‌های اخیر میزان طلاق افزایش یافته است. چنانچه از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۰ در کل کشور کم‌تر از ۱۰ درصد بوده است، اما از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۱ از ۱۲/۰۸ درصد به ۱۸/۱۱ درصد افزایش یافته است. در این میان آمار طلاق در استان تهران با ۳۴/۹۶ درصد در سال ۱۳۹۱، بسیار هشداردهنده است (سایت سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۲). اما آمار طلاق منعکس‌کننده همه واقعیات زندگی زناشویی نیست. زیرا مطالعات نشان می‌دهند که بسیاری از زوج‌های ناراضی همچنان به زندگی با یکدیگر ادامه می‌دهند؛ بنابراین، معلوم نیست آن‌هایی که متأهل باقی می‌مانند چقدر از زندگی مشترک خود احساس سازگاری خاطر می‌کنند (هالفورد، ۱۳۸۴). محققان در جهت افزایش سازگاری زناشویی و کاهش طلاق، عوامل بسیاری را شناسایی کرده‌اند. یکی از این عوامل، عامل دین^۲ و معنویت^۳ است. بسیاری از مردم بر این باور هستند که ایمان آن‌ها جزئی از رسالت شخصی آن‌هاست و اعمال آن‌ها بر طبق رفتارهای مذهبی آن‌ها استوار است. به گونه‌ای که به جای این که معطوف جذآبیت‌های زودگذر شوند، نسبت به اهداف خود متمرکز باقی می‌مانند، ایمان مذهبی، برای این افراد به منزله راهنمایی برای اعمال روزانه و پایبندی به اخلاق، انسجام دورنی، روابط مثبت، ابراز عشق به همسر و تأمین نیازهای مالی و سایر چیزهای دیگر است (اولسون و همکاران، ۱۳۹۱). پژوهش‌های مختلف، نقش مذهب را در زندگی زناشویی افراد آشکار کرده است. اونز^۴ و همکاران (۱۹۷۶؛ به نقل از اسپیلکا و همکاران، ۱۳۹۰)، دریافتند زوج‌هایی که جهت‌گیری و انگیزش مذهبی مشابهی دارند از زندگی زناشویی خود بیش‌تر احساس رضایت می‌کنند. چون این بررسی به جهت‌گیری توجه داشت،

-
1. Marital satisfaction
 2. religion
 3. spirituality
 4. Evans

آن‌هایی که دارای نمره‌های بالا در دین درونی و بیرونی بودند، همسرانی اختیار می‌کردند که همان دیدگاه را داشتند یا نگرش دینی آن‌ها هر چه بیش‌تر شبیه خود آن‌ها بود و به این دلیل مؤفقیت ازدواجشان و نیز خوشبختی شخصی آن‌ها افزایش می‌یافت. در یک پژوهش دیگر رابطه‌ی مذهب و سازگاری زناشویی¹ زوجین بررسی و مشاهده شد که مذهب به‌طور کلی با سازگاری، خشنودی و سازگاری بیش‌تر از زندگی مشترک ارتباط دارد و نیز یک عامل مهم در پیشگیری از طلاق است (هانت و کینگ، ۱۹۷۸). در پژوهشی دیگر مشخص شد که جهت‌گیری مذهبی می‌تواند بر کیفیت و تداوم ازدواج از طریق هدایت اخلاقی و حمایت عاطفی و اجتماعی تأثیر بگذارد (رابینسون، ۱۹۹۴). در پژوهشی داخلی تحت عنوان «رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی در دانشجویان» نتایج حاکی از آن است که افراد با جهت‌گیری مذهبی دورنی از نظر سازگاری کلی، اجتماعی، هیجانی و تندرستی در مقایسه با افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی، وضعیت مناسب‌تری دارند (خداپناهی و خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴). آنچه علاوه بر پایبندی به دین مهم است، همسازی باورهای مذهبی زوجین با یکدیگر است. به نظر اولسون و همکاران (۱۳۹۱)، سازگاری باورهای زوجین با قدرتمند بودن آن‌ها در سایر زمینه‌های زندگی زناشویی ارتباط دارد. این زوجها می‌توانند مذهب را با زندگی زناشویی خود ارتباط دهند و بر این باور هستند که ایمان آن‌ها پایه‌ای را برای عمق بخشیدن به پیوندشان فراهم می‌آورد و کمک می‌کند تا با هم به سوی رشد و تعالی گام بردارند. این زوجها در حل و فصل اختلافات و مدیریت مسائل مالی موفق‌تر عمل می‌کنند و از رابطه جنسی بهتر، صمیمیت و انعطاف‌پذیری بیش‌تری بهره‌مند هستند. شواهد قوی حاکی از این واقعیت است که سازگاری و تداوم روابط زناشویی حاصل «تقدیس نهاد خانواده» است. به این معنا که زوج‌هایی که ازدواج خود را پیمانی مقدس می‌شمرند، نسبت به کسانی که برای پیوند خود معنای مذهبی قائل نیستند، از ازدواج خود راضی‌تر و به یکدیگر وفادارتر هستند. ازدواج را «امری آسمانی شمردن»، نیرویی قوی در ایجاد خانواده‌ای سعادتمند است (اسپیلکا و همکاران، ۱۳۹۰). در حالی که پژوهش‌های خارجی با استفاده از مقیاس‌های دینداری نتایج پژوهشی فراوانی را منتشر کرده‌اند. ادبیات پژوهشی داخلی، مخصوصاً ادبیات متکی بر مبانی ارزشی و دینی در ایران، بسیار محدود و اغلب با استفاده از ابزارهای دینداری خارجی

است. هم اینک ضروری است که با هدف ارزیابی نقش جهت‌گیری مذهبی (بهرامی احسان و همکاران، ۱۳۸۳). البته، با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، بر سازگاری زناشویی زوجین، پژوهش‌های مناسبی سازمان یابد. زیرا از آنجا که دین اسلام، به تمامی شئون زندگی انسان توجه داشته و برای سعادت و رستگاری انسان‌ها برنامه‌ای دقیق ارائه کرده است، نسبت به ازدواج که زیربنای ایجاد جامعه سالم است، عنایت ویژه‌ای مبذول کرده و برای تمامی ابعاد آن دستورات دقیق و کاملی ارائه داده است (سالاری فر، ۱۳۸۵). با این توصیف در پژوهش حاضر نقش جهت‌گیری مذهبی و مناسبات سالم در تبیین رضایت زناشویی به ویژه با تأکید بر رویکردهای فرهنگی و مذهبی جامعه ایرانی یک ضرورت است و این پژوهش نیز با این هدف سامان یافته است. بدین ترتیب مسأله این پژوهش ارزیابی نقش مؤلفه‌های جهت‌گیری مذهبی و مناسبات سالم در پیش‌بینی رضایت زناشویی است.

روش

جامعه این پژوهش را سه طبقه اجتماعی طلاب، دانشجویان و کارمندان ساکن شهر مشهد تشکیل می‌دهند. از آنجا که مقرر شده بود تا افراد با آرامش خاطر در این پژوهش شرکت کنند. به دلیل نبودن فهرست افراد و نیز فقدان امکان انتخاب تصادفی که نمونه‌برداری در دسترس را توجیه می‌کند (سرای، ۱۳۸۴). از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. به این ترتیب که با مراجعه به دانشگاه‌های واقع در شهر مشهد و نیز حوزه‌های علمیه و ادارات شهر مشهد و هماهنگی با مسئولان آن مراکز، پرسشنامه در اختیار افراد داوطلب قرار داده می‌شد. با توجه به نوع پژوهش، این پژوهش از جمله طرح‌های همبستگی است، برای طرح‌های همبستگی، نمونه ۲۰۰ نفری توصیه شده که به منظور کنترل خطاهای احتمالی و پیشگیری از ریزش‌ها، در این پژوهش ۳۰۰ آزمودنی در نظر گرفته شد.

ابزار سنجش پژوهش حاضر عبارت بودند از:

۱. پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی را بهرامی احسان در سال ۱۳۸۱ ساخته است و ۶۵ سؤال دارد. چارچوب اساسی این پرسشنامه، مرجعیت بخشیدن به ساختار و مناسبات انسان در تمام ابعاد آن در پرتو روابط انسان و

خداوند است. این پرسشنامه شامل ۴ زیرمقیاس است که عبارت هستند از: الف) عامل جهت‌گیری مذهبی: به صورت مستقیم و غیرمستقیم رابطه عمیق و قلبی با خدا، رابطه با مردم براساس آموزه‌های دینی، اتخاذ و انجام رفتارهای توصیه شده دینی، عاقبت‌گرایی و توجه به آخرت را دربرمی‌گیرد.

ب. عامل سازمان‌نیافتگی یا استقرار نیافتگی مذهبی: ویژگی عمومی آن تردید، دودلی، ناخشنودی از زندگی و پریشان‌خاطری است.

ج. عامل ارزش‌سازی مذهبی یا مناسک‌گرایی: این زیرمقیاس دو عامل را در خود منعکس می‌کند، اولین عامل ارزیابی مثبت و همراه با قیدهای جدی مناسک مذهبی و ارزش‌سازی مذهبی است. و عامل دوم شامل ارزیابی‌های انعطاف‌پذیر از مذهب و رفتارهای مذهبی است.

د. عامل کامجویی: معنای عمومی این زیرمقیاس، لذت‌طلبی و ترجیح آن، فقدان اعتقاد به مذهب، تفسیر شخصی از دستورات مذهبی و کامجویی است.

نتایج پژوهش‌های مختلف حاکی از این است که این مقیاس روایی محتوای بالایی داشته و نیز بررسی روایی سازه و نیز تحلیل ساختاری این آزمون، نشان داد که این آزمون از ۴ عامل اشباع شده است. براساس پژوهش‌های انجام شده، ضریب آلفای کرونباخ برای عامل نخست ۰/۹۳، برای عامل دوم ۰/۸۶، برای عامل سوم ۰/۷۹ و نهایتاً برای عامل چهارم ۰/۵۷ است (بهرامی احسان و تاشک، ۱۳۸۳).

۲. مقیاس سازگاری زناشویی: این مقیاس یک ابزار ۳۲ سؤالی برای ارزیابی

کیفیت رابطه زناشویی است که گراهام، بی، اسپنیر^۱ (۱۹۷۶)؛ به نقل از ثنایی و همکاران، (۱۳۷۹)، برای چند هدف ساخته است، مهم‌تر از همه این که می‌توان با به‌دست آوردن کل نمرات، از این ابزار برای اندازه‌گیری سازگاری کلی در یک رابطه صمیمی استفاده کرد. تحلیل عاملی نشان می‌دهد که این مقیاس چهار بعد رابطه زناشویی را می‌سنجد که عبارت

1. Graham. B. Spanier

هستند از: سازگاری زوجی، همبستگی زوجی، توافق زوجی و ابراز محبت زوجی. نمره‌گذاری این مقیاس به سبک لیکرت و نمره کلی این مقیاس از صفر تا ۱۵۰ است که نمرات بالاتر نشان‌دهنده سازگاری بیش‌تر از رابطه زناشویی است. اعتبار این مقیاس به روش همسان بودن محاسبه شده و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ برای کل مقیاس به‌دست آمده است. همسانی درونی خرده مقیاس‌ها بین خوب تا عالی است (سازگاری زوجی ۰/۹۴، همبستگی زوجی ۰/۸۱، توافق زوجی ۰/۹۰ و ابراز محبت زوجی ۰/۷۳). روایی این مقیاس ابتدا با روش‌های منطقی روایی محتوا بررسی شده است. این مقیاس با قدرت تمیز دادن زوج‌های باثبات و مطلقه در هر سؤال، روایی خود را برای گروه‌های شناخته شده، نشان داده است. این مقیاس روایی همزمان نیز داشته و با مقیاس «سازگاری زناشویی لاک-والاس»^۱ همبستگی دارد (ثنایی و همکاران، ۱۳۷۹).

۳. **مقیاس مناسبات سالم:** این پرسشنامه با توجه به توصیه‌های دین اسلام درباره روابط و وظایف همسران نسبت به یکدیگر و با استفاده از متون اسلامی تهیه شده است (بهرامی احسان و رضازاده، ۱۳۸۹) و توسط چند تن از اساتید ارزیابی شده است. این مقیاس ۶۸ سؤال و ۴ بخش دارد، بخش اول شامل ۴۶ سؤال مشترک برای زنان و مردان، بخش دوم و سوم به ترتیب شامل ۱۰ و ۹ سؤال اختصاصی برای مردان و زنان است. ۳ سؤال آخر نیز مشترک میان مردان و زنان است.

برای بررسی اعتبار این مقیاس از همسانی درونی استفاده شد که ضریب آلفای ۰/۹۳ به‌دست آمده است. برای بررسی روایی این مقیاس از تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد که این مقیاس از ۵ مؤلفه تشکیل شده که عبارت هستند از: ارتباط عاطفی، تلاش شخصی برای بهبود ارتباط، نگرش مذهبی در ارتباط زناشویی، مدیریت ارتباط عاطفی و همسر محوری.

همچنین از آزمون سازگاری زناشویی اسپنیر به‌عنوان روایی ملاک استفاده

1. Locke- Wallace Marital adjustment scale.

شده است. اندازه‌های همبستگی خرده عامل‌های هر دو پرسشنامه مناسبات سالم با کل مقیاس سازگاری زناشویی اسپنیر و خرده مقیاس‌های آن بیان‌کننده آن است که در زنان همه ضرائب در سطح آلفای ۰/۱ معنا دارند و در مردان همه ضرائب به جز همبستگی بین عامل دوم مقیاس مناسبات سالم و خرده مقیاس همبستگی زوجی در سطح آلفای ۰/۱ معنادار هستند (بخشوده، ۱۳۹۰).

یافته‌ها

ابتدا به منظور آشنایی با ویژگی‌های آماری نمونه به تفکیک جنسیت، میانگین و انحراف استاندارد ابعاد سازگاری زناشویی جهت‌گیری مذهبی و مناسبات سالم (تعاملات دین‌محور) در جدول ارائه شده است.

جدول ۱: آماره‌های ابعاد رضایت زوجی با جهت‌گیری مذهبی، مناسبات سالم (تعاملات دین‌محور)

| خطای استاندارد میانگین | انحراف استاندارد | میانگین | تعداد | جنسیت | | | |
|------------------------|------------------|---------|-------|-------|-----------------|----------------------|--|
| ۰,۶۴ | ۷,۹ | ۳۱,۷ | ۱۴۹ | زن | سازگاری زوجی | سازگاری زوجین | |
| ۰,۸۷ | ۱۰,۶ | ۴۰,۲ | ۱۵۱ | مرد | | | |
| ۰,۳۵ | ۴,۳۴ | ۱۶,۳۳ | ۱۴۹ | زن | همبستگی زوجی | | |
| ۰,۲۸ | ۳,۴ | ۱۷,۲۱ | ۱۵۱ | مرد | | | |
| ۰,۲۲ | ۲,۷ | ۱۰,۸۵ | ۱۴۹ | زن | ابراز محبت زوجی | | |
| ۰,۱۷ | ۲,۱ | ۱۱,۸۲ | ۱۵۱ | مرد | | | |
| ۰,۹۶ | ۱۱,۷۲ | ۴۹,۰۴ | ۱۴۹ | زن | توافق زوجی | | |
| ۰,۷۳ | ۸,۹۸ | ۵۱,۰۹ | ۱۵۱ | مرد | | | |
| ۷,۳۱ | ۷,۳ | ۱۳۱,۶۰ | ۱۴۹ | زن | جهت‌گیری مذهبی | ابعاد جهت‌گیری مذهبی | |
| ۱۲,۶۴ | ۱۲,۶ | ۱۳۰,۸۸ | ۱۵۱ | مرد | | | |
| ۹,۶۷ | ۹,۶۷ | ۲۱,۴۹ | ۱۴۹ | زن | کامجویی | | |
| ۸,۹۶ | ۸,۹۶ | ۲۱,۷۳ | ۱۵۱ | مرد | | | |
| ۱۱,۷۰ | ۱۱,۷۰ | ۳۵,۶ | ۱۴۹ | زن | ارزنده سازی | | |
| ۴,۸ | ۴,۸۴ | ۳۴,۱ | ۱۵۱ | مرد | | | |

| | | | | | | |
|------|-------|-------|-----|-----|-----------------------|--------------|
| ۱۱,۲ | ۱۱,۲۹ | ۵۲,۸ | ۱۴۹ | زن | سازمان نایافتگی | مناسبات سالم |
| ۹,۸۴ | ۹,۸۴ | ۵۰,۵ | ۱۵۱ | مرد | | |
| ۱,۵ | ۱۹,۰۵ | ۱۱۷,۱ | ۱۴۹ | زن | ارتباط عاطفی | |
| ۰,۸۵ | ۱۰,۵ | ۱۱۵,۴ | ۱۵۱ | مرد | مدیریت عاطفی | |
| ۱,۲ | ۱۵,۰ | ۴۴,۹ | ۱۴۹ | زن | تلاش برای بهبود روابط | |
| ۰,۵ | ۶,۸ | ۴۴,۱ | ۱۵۱ | مرد | همسر محوری | |
| ۰,۳۵ | ۴,۳ | ۴۰,۴ | ۱۴۹ | زن | نگرش مذهبی در | |
| ۰,۳۶ | ۴,۴ | ۴۰,۴ | ۱۵۱ | مرد | ارتباط زناشویی | |

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در اغلب زیرمقیاس‌ها میانگین زنان و مردان نزدیک به یکدیگر است. برای مثال در سه زیرمقیاس مذهب‌گرایی، کامجویی و ارزنده‌سازی میانگین زنان و مردان تفاوت بسیار اندکی با یکدیگر دارد. این در حالی است که در برخی از زیرمقیاس‌ها نظیر رضایت زناشویی تفاوت‌ها محسوس و جالب توجه است. نظر به تفاوت در برخی متغیرها و به‌منظور رعایت دقت در برآوردها، ابتدا ماتریس همبستگی بین همه متغیرهای مورد مطالعه ارائه شد (جدول ۲).

همانگونه که از نتایج می‌توان دریافت، همبستگی بین متغیرها از ضرایب معادل ۰/۰۲ تا مقادیر جالب توجه ۰/۸۸ توزیع شده‌اند. بررسی جزئیات این ماتریس نشان می‌دهد که برخی از عناصر جهت‌گیری مذهبی نظیر کامجویی با متغیرهای سازگاری زناشویی و روابط سالم اغلب ضعیف و در حد صفر است، سازمان‌نیافتگی مذهبی با سازگاری و روابط سالم ضرایبی معنادار و در حد متوسط دارد و مذهب‌گرایی نیز روابطی معنادار و درصد متوسط با ابعاد مناسبات سالم در زنان و مردان و نیز سازگاری زناشویی دارد. به‌منظور انجام‌دادن رگرسیون مفروضه‌های مهم مؤثر در صحت تحلیل رگرسیون بررسی شد. در این میان ضروری است، مفروضه هم خطی چندگانه بررسی شود. با استفاده از ضریب تحمل و نیز عامل نوسان واریانس امکان ارزیابی هم خطی چندگانه وجود دارد. نتایج تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهد که ضریب تحمل واریانس در دامنه‌ای از ۰/۴۷ تا ۰/۹۳ توزیع شده‌اند. این موضوع نشان‌دهنده فقدان هم خطی چندگانه بود و انجام‌دادن تحلیل رگرسیون مجاز است؛ بنابراین، ابتدا نتایج تحلیل رگرسیون برای زنان گزارش می‌شود.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای سازگاری زناشویی، مناسبات سالم

و جهت گیری مذهبی

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|----|------------------------------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|---|--|--|--|
| ۱ | سازگاری زوجه | ۱ | | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۲ | همبستگی زوجه | .۳۸** | ۱ | | | | | | | | | | | | | | | |
| ۳ | محبت زوجه | .۵۷** | .۵۸** | ۱ | | | | | | | | | | | | | | |
| ۴ | توافق زوجه | .۶۰** | .۵۸** | .۸۶** | ۱ | | | | | | | | | | | | | |
| ۵ | کامجویی | -.۱۸ | -.۸۰ | -.۸۸ | -.۸۰ | ۱ | | | | | | | | | | | | |
| ۶ | ارزنده سازی مذهبی | .۰۲ | -.۳ | .۲۶ | -.۲۵ | .۳ | ۱ | | | | | | | | | | | |
| ۷ | سازمان فایده گری | .۲۹** | .۲۱** | .۲۶** | .۲۷** | .۱۵** | .۲۵** | ۱ | | | | | | | | | | |
| ۸ | جهت گیری مذهبی | .۲۰** | .۱۳** | .۲۰** | .۱۵** | .۱۹** | .۱۴** | .۳۰** | ۱ | | | | | | | | | |
| ۹ | مدیریت عاطفی (مردان) | .۴۱** | .۳۸** | .۳۷** | .۴۴** | .۲۱** | .۲۱** | .۲۴** | .۲۴** | ۱ | | | | | | | | |
| ۱۰ | همسر محور (مردان) | .۲۰** | .۲۴** | .۱۴* | .۲۱** | .۲۳** | .۱۶** | .۱۷** | .۲۴** | .۲۴** | ۱ | | | | | | | |
| ۱۱ | تکوش مذهبی (مردان) | .۳۷** | .۲۴** | .۲۶** | .۳۳** | .۲۳** | .۲۳** | .۲۹** | .۲۴** | .۲۹** | .۱۵** | ۱ | | | | | | |
| ۱۲ | ارتباط عاطفی (زنان) | .۲۶** | .۳۳** | .۲۲** | .۳۳** | .۲۳** | .۲۷** | .۱۷** | .۲۶** | .۲۶** | .۳۶** | .۲۶** | ۱ | | | | | |
| ۱۳ | تلاش برای بهبود رابطه (زنان) | .۳۶** | .۲۴** | .۳۳** | .۲۶** | .۱۹** | .۱۶** | .۱۶** | .۲۶** | .۲۶** | .۳۶** | .۲۶** | .۲۴** | ۱ | | | | |
| ۱۴ | تکوش مذهبی (زنان) | .۳۴** | .۳۳** | .۳۱** | .۳۷** | .۲** | .۱۱** | .۲۶** | .۲۶** | .۲۶** | .۳۸** | .۲۴** | .۳۰** | .۳۴** | ۱ | | | |

* $p < .05$, ** $p < .01$

جدول ۳: تحلیل واریانس برای آزمون ابعاد متغیرهای پیش‌بین

بر سازگاری زناشویی زنان

| مدل | مجموع مجذورات | درجه آزادی | مربع میانگین | F | سطح معناداری |
|--------------|---------------|------------|--------------|--------|--------------|
| رگرسیون | ۳۸۸۶۷/۵۷۸ | ۳ | ۱۲۹۵۵/۸۵۹ | ۳۸/۸۲۱ | ۰/۰۰۱ |
| باقیمانده‌ها | ۴۸۳۹۱/۳۱۴ | ۱۴۵ | ۳۳۳/۷۳۳ | | |
| جمع | ۸۷۲۵۸/۸۹۲ | ۱۴۸ | | | |

جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون را نشان می‌دهد. در این تحلیل سازگاری زناشویی به عنوان متغیر ملاک و ابعاد جهت‌گیری مذهبی و ابعاد مناسبات سالم (تعاملات دین محور) به عنوان متغیرهای پیش‌بین در معادله وارد شدند. با توجه به نتایج به‌دست آمده ($p < 0/001$ و $F=38/82$) رابطه خطی معناداری بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک وجود دارد. مقدار R معادل ۰/۶۷ است که نشان می‌دهد ۴۴ درصد از واریانس رضایت زوجی توسط عناصر از جهت‌گیری مذهبی و تعاملات دین محور تبیین می‌شود. ضرایب B, b در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴: ضرایب استاندارد و غیراستاندارد رگرسیون ابعاد جهت‌گیری مذهبی /

مناسبات سالم بر رضایت زوجی

| سطح معناداری | t | ضرایب استاندارد نشده | | الگو |
|--------------|-------|----------------------|-------|-----------------------|
| | | ضریب استاندارد شده | B | |
| ۰/۷۹ | -۰/۲۶ | | ۱۷/۴۵ | مقدار ثابت |
| ۰/۰۰۱ | ۸/۷۵ | ۱/۴۹ | ۰/۲۳ | ارتباط عاطفی |
| ۰/۰۰۱ | ۶/۶۸ | ۱/۱۳ | ۰/۲۷ | تلاش برای بهبود روابط |
| ۰/۰۰۱ | -۳/۲۲ | -۰/۲۰ | ۰/۱۴ | سازمان نایافتگی مذهبی |

با توجه به نتایج به‌دست آمده، یک مؤلفه از جهت‌گیری مذهبی و دو مؤلفه از تعاملات دین‌محور دارای نقشی تعیین‌کننده در پیش‌بینی میزان سازگاری زناشویی ایفا می‌کند. از مؤلفه‌های تعاملات دین‌محور ارتباط عاطفی با $1/49 =$ و پس از آن مؤلفه تلاش برای بهبود روابط با $1/13 =$ قرار گرفته‌اند. در همین حال، سازمان نایافتگی مذهبی $-0/20 =$ است. بدین ترتیب فرمول پیش‌بینی

رضایت زوجی را می‌توان چنین نوشت:

(سازمان‌نیافتگی مذهبی) $-0/43$ (تلاش برای بهبود روابط) $+1/82$ (ارتباط عاطفی) $+1/90 + 4/63 =$ سازگاری زناشویی زنان.
در این مرحله ب وضعیت مردان بررسی می‌شود. در گام نخست نتایج تحلیل واریانس در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: تحلیل واریانس برای آزمون ابعاد متغیرهای پیش‌بینی بر سازگاری زناشویی مردان

| مدل | مجموع مجذورات | درجه آزادی | مربع میانگین | F | سطح معناداری |
|--------------|---------------|------------|--------------|--------|--------------|
| رگرسیون | ۲۰۶۵۷/۳۴۰ | ۲ | ۱۰۳۲۸/۶۷۰ | ۳۸/۱۶۶ | ۰/۰۰۱ |
| باقیمانده‌ها | ۴۰۰۵۲/۵۱۲ | ۱۴۸ | ۲۷۰/۶۲۵ | | |
| جمع | ۶۰۷۰۹/۸۵۲ | ۱۵۰ | | | |

داده‌های این جدول نشان می‌دهد که ($p < 0/001$ و $F = 38/166$) معنادار است. این بدان معناست که بین مؤلفه‌های جهت‌گیری مذهبی و تعاملات دین‌محور و سازگاری زناشویی رابطه خطی وجود دارد. نتایج به‌دست آمده از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که مقدار $R = 0/58$ است که در مجموع ضریب تعیین معادل $0/34$ گواه آن است که ۳۴ درصد از واریانس رضایت زناشویی توسط جهت‌گیری مذهبی و تعاملات دین‌محور تبیین می‌شود. جدول ۶ نشان‌دهنده عناصر استاندارد و غیر استاندارد مؤلفه‌های مهم در معادله پیش‌بینی است.

جدول ۶: ضرایب استاندارد و غیر استاندارد رگرسیون سازگاری زناشویی بر متغیرهای جهت‌گیری مذهبی و تعاملات دین‌محور

| الگو | ضرایب استاندارد نشده | | ضریب استاندارد شده | t | سطح معناداری |
|----------------------|----------------------|----------------|--------------------|-------|--------------|
| | B | خطای استاندارد | | | |
| مقدار ثابت | ۳۲/۲۳ | ۱۶/۷۸ | | ۰/۹۲ | ۰/۰۶ |
| مدیریت عاطفی | ۰/۹۸ | ۰/۱۲ | ۰/۵۱ | ۷/۷۰ | ۰/۰۰۱ |
| سازمان‌نیافتگی مذهبی | -۰/۵۰ | ۰/۱۴ | -۰/۲۴ | -۳/۶۲ | ۰/۰۰۱ |

در الگوی رگرسیون مردان نیز دو مؤلفه معنادار سازمان‌نیافتگی مذهبی زیرمجموعه جهت‌گیری مذهبی و مدیریت عاطفی از زیرمجموعه تعاملات دین‌محور حضور دارند. براساس نتایج به‌دست آمده، مدیریت عاطفی؛ بتایی معادل ۰/۵۱ در درجه نخست و با رابطه مستقیم و پس از آن سازمان‌نیافتگی مذهبی با بتایی معادل ۰/۲۴- به صورت منفی با رضایت زناشویی در رابطه است. بدین ترتیب معادله پیش‌بینی را می‌توان چنین نگاشت:

$$\text{(سازمان‌نیافتگی مذهبی)} - ۰/۵۰ - \text{(مدیریت عاطفی)} + ۰/۹۸ + ۳۲/۲۳ = \text{رضایت زناشویی مردان}$$

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر در کلیت خود با پژوهش‌های اِونز^۱ و همکاران (۱۹۷۶)؛ به نقل از اسپیلکا و همکاران، (۱۳۹۰) و هانت (۱۹۸۰)؛ به نقل از هانسِن، (۱۹۸۷) و رابینسون (۱۹۹۴)، هانت و کینگ (۱۹۷۸) هماهنگ است. به این معنا که در مجموع، صرف‌نظر از معیارهای مورد استفاده، معلوم شده است که دینداری و سعادت زناشویی دوش به دوش هم حرکت می‌کنند (فیلسینگر و ویلسون، ۱۹۸۴). اما درباره آن روی سکه، یعنی کسانی که خود را «بی‌دین» می‌شمارند داده‌ها بیان‌کننده آن چیزی است که قابل پیش‌بینی است. کسانی که فارغ از مذهب هستند احتمالاً بیش از افراد مذهبی مجرد می‌مانند، از یکدیگر جدا می‌شوند یا طلاق می‌گیرند، یا از نواز دواج می‌کنند. به علاوه از لحاظ رضایت خاطر و انسجام شخصی و اجتماعی در حد پایین‌تری هستند (بک و رادلت، ۱۹۸۸). در تأیید یافته‌های این پژوهش‌ها نتایج پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که عناصری از رفتارهای دینی قادر است تا به نحو مؤثری بر احساس رضایت زناشویی تأثیر مثبت داشته و آن را بهبود بخشد، اما فراتر از این یافته کلی چند نکته دیگر از این پژوهش تأمل‌پذیر است. نخست آنکه در بخش جهت‌گیری مذهبی، مؤلفه سازمان‌نیافتگی مذهبی هم در زنان و هم در مردان نقش تعیین‌کننده و البته منفی در پیش‌بینی رضایت زناشویی داشت. این بدان معناست که فقدان سازمان‌یافتگی مذهبی و اغتشاش در سطح هویت مذهبی یکی از ارکان اساسی است که در تولید ناخشنودی روابط زناشویی ایفای نقش می‌کند و به‌عبارت دیگر، فقدان سازمان‌یافتگی و انسجام

مذهبی که از آن می‌توان به عنوان توسعه نیافتگی ایمان در لایه‌های درون روانی سخن گفت، خود یکی از منابع ناخشنودی‌های زوجی و خانوادگی است.

دوم و مهم‌تر از آن این که، حضور عناصری از مناسبات سالم در معادله پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان و مردان جالب توجه است. الگوی مناسبات سالم در تلاش است تا تعاملات را براساس الگوهای دینی توصیه کند. نتایج به‌دست آمده از این پژوهش نشان داد که مؤلفه ارتباط عاطفی و تلاش برای بهبود ارتباط در زنان و ارتباط عاطفی در مردان، به نحو مؤثری در تولید رضایت زناشویی حضور دارد. این یافته‌ها در نوع خود بدیع است و برای آن سابقه‌ای وجود ندارد. الگوی مناسبات سالم در حقیقت استخراج دستورات دینی برای تنظیم وظایف زنان و مردان در فضای زندگی خانوادگی است.

براساس نتایج به‌دست آمده می‌توان اظهار داشت که فراتر از الگوهای تعریف شده در مناسبات خانوادگی که تاکنون توسط پژوهشگران و نظریه‌پردازان در خارج از کشور ارائه شده است، تعاملات دین‌محور (مناسبات سالم) محورهای بی‌بدیلی را در تعاملات خانوادگی توصیه می‌کند. عواملی نظیر صداقت، احترام، عفو، صبوری، حسن ظن، مشورت، توقع براساس توانایی‌ها، پرده‌پوشی بر عیوب، خوش خلقی، میهمان‌نوازی، توصیه به بندگی خدا، توجه به رشد و بالندگی همسر، قناعت، اطاعت از همسر، و توجه به تأثیر گناه در روابط زناشویی و ... از جمله مواردی است که در متون پژوهشی موجود نشانی از آن‌ها نمی‌توان یافت (بهرامی احسان و همکاران، ۱۳۸۹). اکنون با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان اظهار داشت که ترکیبی از عناصر جهت‌گیری مذهبی همراه با مؤلفه‌های قدرتمندی از مناسبات سالم (تعاملات دین‌محور) قادر هستند تا خرسندی در روابط زناشویی را به نحو جالب توجهی پیش‌بینی و تبیین کنند.

با استفاده از این نتایج می‌توان الگوی عملی برای پیشگیری از اغتشاشات خانوادگی را نیز پیشنهاد کرد. با توجه به اهمیت عناصر پیش‌گفته در تنظیم روابط زوجی و زناشویی، پیشنهاد می‌شود، مراکز آموزش خانواده، پیش از ازدواج و نیز در طی دوران آشنایی و نامزدی و حتی پس از ازدواج، زوجین را با الگوی عملیاتی روابط زناشویی، وظایف و مسئولیت‌های آن‌ها از دیدگاه اسلام آشنا و با تکرار و تمرین، امکان تداوم و تحکیم این الگو را در مناسبات زناشویی آن‌ها فراهم کند.

منابع

- اسپیلکا، برنارد، هود، رالف دبلیو، هونسبرگ، بروس و گرساچ، ریچارد (۱۳۹۰). *روان شناسی*. دین: براساس رویکرد تجربی، ترجمه محمد دهقانی. تهران: رشد.
- اولسون، دیوید اچ.، اولسون-سیگ، امی و لارسون، پیتر جی (۱۳۹۱). *بازبینی روابط همسران*، ترجمه شکوه نوابی نژاد و مهرنوش دارینی. تهران: دانژه.
- بخشوده، اسماء (۱۳۹۰). *بررسی رابطه انتظارات زناشویی و مبادلات سالم با سازگاری زناشویی و کیفیت زندگی زوجین*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی در دانشگاه تهران.
- بهرامی احسان، هادی و تاشک، آناهیتا (۱۳۸۳). *ابعاد رابطه میان جهت گیری مذهبی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت گیری مذهبی*. *مجله روان شناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تهران)*. ۴(۲): ۶۳-۴۱.
- بهرامی احسان، هادی، حسینی واجاری، کتایون (۱۳۸۳) *نقش مقابله مذهبی و خوشبختی معنوی در تبیین سلامت روان*. *فصلنامه روان شناسی*. ۹(۳) (پیاپی ۳۵).
- ثنایی، باقر، علاقبند، ستیلا و هومن، عباس (۱۳۷۹). *مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: بعثت.
- خداپناهی، محمدکریم و خاکسار بلداجی، محمدعلی (۱۳۸۴). *رابطه جهت گیری مذهبی و سازگاری روانشناختی در دانشجویان*. *مجله روان شناسی و علوم تربیتی*، ۳(۹): ۳۲۰-۳۱۰.
- سازمان ثبت احوال کشور. *بازیابی از سایت در تاریخ ۹۲/۰۶/۰۶ ساعت ۱۶/۳۰*.
www.sabteahval.ir
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۵). *خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی*. تهران: سمت و قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سرایبی، حسن (۱۳۸۴). *مقدمه ای بر روش نمونه گیری در تحقیق*. تهران: سمت.
- فتحی آشتیانی، علی و احمدی، خدابخش (۱۳۸۳). *بررسی ازدواج های موفق و ناموفق در بین دانشجویان*. *مجله دانشور رفتار*، ۱۱(۷): ۴۷-۳۷.
- هاروی، مایکل (۱۳۸۸). *کتاب جامع زوج درمانی*. ترجمه خدابخش احمدی، زهرا اخوی و علی اکبر رحیمی. تهران: دانژه.
- هالفورد، کیم (۱۳۸۴). *زوج درمانی کوتاه مدت: یاری به زوجین برای کمک به خودشان*. ترجمه مصطفی تبریزی، مژده کاردانی و فروغ جعفری. تهران: فراروان.

- Amato, P., B. & Irving, S. (2006). Historical Trends in Divorce in the United states. In Mark A. Fine & John H. Harvey (Eds.), *Hand Book of Divorce and Relationship Dissolution*. (pp. 41-57). New York: Routledge.
- Bardbury, T.N. (1998). *The developmental Course of Marital dysfunction*. New York: Cambridge University Press.
- Bock, E.W. & Radelat, M.L. (1988). The Marital integration of religious independents: A reevaluation of its significance. *Review of Religious Research*, 29, 228-241.
- Filisinger, E.E., & Wilson, M.R. (1984). Religiosity, Socioeconomic reward, and family development: predictors of marital adjustment. *Journal of Marriage and the family*, 46, 663-670.
- Fine, M.A., & Harvey, John, H. (2006). Divorce and Relationship Dissolution in The 21st century. In Mark A. Fine & John H. Harvey (Eds), *Hand Book of Divorce and Relationship Dissolution* (pp. 3-11). New York: Routledge.
- Hansen, G.I. (1987). The Effects of Religiosity on Factors Predicting Marital Adjustment. *Social Psychology Quarterly*, 50, 264-269.
- Hunt, R.A., King, M.B. (1978). *Religiosity and Marriage*. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 17, 399-406.
- Levinger, G., & Huston, T.L. (1990). The Social Psychology of Marriage. In F.D. Fincham & T.N. Bradbury (Eds), *The Psychology of Marriage* (pp. 19-58). New York: Guilford Press.
- Markman, H.J., & Hahlweg, K. (1993). The Prediction and Prevention of marital distress: An international Perspective. *Clinical Psychology Review*, 13, 29-43.
- Robinson, L.C. (1994). Religious Orientation in Enduring Marriage: An Exploratory Study. *Review of Religious Research*, 135, 207-217.
- Whisman, M.A., Dixon, A.E., & Johnson, B. (1997). Therapists perspectives of Couple Problems and treatment issues in couple therapy. *Journal of Family Psychology*, 11, 361-366.